



محمد مهدی اسلامی

شهید هاشمی نژاد و استاد نخستین ...

نژاد) را به آقای قبول کن". پس از این بود که تا زمان فوت او در سال ۱۳۳۳ شهید هاشمی نژاد از شاگردان و ملازمان وی بود. سطح تعلیمات شهید هاشمی نژاد در کوهستان به حدی بود که برادرش نقل می‌کند: "برای ورود به حوزه قم، حضرت آیت الله بروجردی از ایشان امتحان گرفتند که نمره بسیار عالی آورد. در آن زمان آیت الله بروجردی مبلغ ۵۰ تومان که در آن شرایط پول خیلی زیادی بود، به ایشان جایزه دادند."

جایزه‌ای که نشانه تحسین شدید زعیم حوزه علمیه قم بود و فضل و جدیت تدریس آیت الله کوهستانی در آن قطعا بی‌تأثیر نبود. همچنان که نقل کرده‌اند که آیت الله بروجردی طلاب مازندرانی را که طبع آنها با آب و هوای قم سازگاری نداشت، برای سطح به حوزه آیت الله کوهستانی ارجاع می‌داد و به یکی از طلاب فرموده بود: "اگر خارج هم می‌گویند در آن حوزه بمان، بعد بیا قم".

آیت الله کوهستانی در سال ۱۳۵۰ برای مداوا و درمان به قم عزیمت کرد و در این سفر بود که مرتب علمی ایشان بیش از پیش مشخص شد. آیت الله العظمی گلپایگانی ایشان را در بیمارستان خود بستری و از یکی از پزشکان برجسته تهران برای مداوای ایشان دعوت کردند و بارها به ملاقات وی رفتند و با بیان اینکه "منزل هم تهیه شده، اگر صلاح می‌دانید همین جا سکونت نمایند" از او دعوت کردند در قم بمانند. آیت الله بهجت نیز به ملاقات ایشان می‌روند و ضمن اشاره به اینکه مازندان به اندازه کافی از ایشان استفاده کرده است، خواستار اقامت ایشان در قم می‌شوند، اما دغدغه تربیت طلاب مازندرانی عزم او را بر بازگشت جدی می‌کند. آیت الله گلپایگانی هنگام ترخیص وی او را بدرقه می‌کنند و می‌فرمایند: "بزرگی و تقوای شما برای من علم‌الیقین بود، اکنون عین‌الیقین شد."

آیت الله کوهستانی دو سال پس از این بازگشت به کوهستان، دار فانی را وداع گفت و در حالی که جمعیت عظیمی پیکر او را تشییع می‌کرد، بنا بر وصیتش در مشهد به خاک سپرده شد. شهید هاشمی نژاد وقتی از این واقعه با خبر شد، برای استقبال از پیکر مردی که او را پدر معنوی خود می‌دانست، با اشک و ماتم به قوچان شتافت و از آنجا تا مشهد پیکر نخستین استاد خویش را همراهی کرد.

در مراسم تشییع باشکوه آیت الله کوهستانی، به‌جز شهید هاشمی نژاد که در آن تاریخ از محبوبیت بی‌نظیری در خراسان برخوردار بود، علمایی همچون حضرات آیات میرزا جواد آقا تهرانی و مروراید حاضر شدند. پیکر او در دارالسیاده به خاک سپرده شد. سخنران مراسم ختم در محضر آیت الله العظمی میلانی از قول این مرجع بزرگ تقلید، جملات عجیبی در تکریم آیت الله کوهستانی گفت. مراسم ختم‌های مکرری نیز برای او در شهرهای مختلف برگزار شد، از جمله آیات عظام: خوینی و سید محمود شاهرودی در نجف، آیات عظام: گلپایگانی و مرعشی در قم و آیت الله سیداحمد خوانساری در تهران مراسمی را برگزار کردند. شهید هاشمی نژاد نیز مراسم پرشکوهی را برای او در بهشهر برگزار کرد. ■

از آماده کردن گل و حمل چوب هم دریغ نداشت. آیت الله کوهستانی بسیاری از امور همچون ساده‌زیستی و چگونگی تبلیغ دین را با رفتار خود به طلابش آموخت.

آیت الله کوهستانی از آغازین روزهای تأسیس حوزه کوهستان این گونه سخن می‌گوید: "اوایل کار حوزه تا حدود سسیزه درس می‌گفتم و بر اثر آن خستگی شدیدی بر من مستولی می‌شد؛ به گونه‌ای که شب حال و رمقی برایم باقی نمی‌ماند، جهت رفع خستگی در همان بیرونی دراز می‌کشیدم. افزون بر آن که اواخر شب برخی از طلاب جهت رفع اشکال‌ها و پاره‌ای از سئوال‌های درسی به من مراجعه می‌کردند و باید پاسخ آنها را نیز می‌دادم، سپس برای استراحت به منزل می‌رفتم. این وقتی بود که جمعی از طلبه‌ها برای تهجد و نماز شب به بیرونی و حسینیه می‌آمدند از ایشان نقل شده است که از جمله طلابی که به تهجد اهتمام داشته است، شهید هاشمی نژاد بوده است که صدای "العفو العفو" وی در حجره‌اش می‌پیچید.

حجت الاسلام هاشمی نژاد در حوزه کوهستانی می‌گوید: "بنده در سال‌های اول طلبگی با ایشان هم‌درس و هم‌دوره بودم... ایشان در درس خواندن و مباحثه فردی بی‌نظیر بود. پدرشان آقا حسن، ایشان را به محضر آیت الله کوهستانی آورد و به آقا سپرد. حضرت آیت الله کوهستانی علاقه خاص و بسیار شدیدی به ایشان داشت... نه (همسر آیت الله کوهستانی) به شهید هاشمی نژاد بسیار علاقه‌مند بود و خیلی صمیمی ایشان را آقا سید کریم صدا می‌کرد و حضرت آیت الله کوهستانی هم علاقه ویژه‌ای به شهید هاشمی نژاد داشتند."

آقای بنی‌کاملی از دوستان شهید هاشمی نژاد می‌گوید: "آنچه من به یاد دارم، استادش آیت الله کوهستانی خیلی خوشنود نبودند که ایشان منبر بروند، به جهت استعداد و نبوغ بالا و تزکیه نفسی که در او سراغ داشتند، امیدوار بودند که در آینده از مراجع بزرگ بشوند. آیت الله کوهستانی بنیاد شخصیت علمی و معنوی ایشان را بر عهده داشت و راه تزکیه نفس و تکامل را برایش گشود."

او با تعلیم برخی از مقدمات در حوزه کوهستان، پس از چهار سال با اجازه آیت الله کوهستانی در حالی که ۱۸ سال داشت، به قم رفت. او در یکی از بازجویی‌هایش به ساواک، ادامه تحصیل خود را این گونه شرح می‌دهد:

"اینجانب اوایل بلوغم به تحصیلات مذهبی در کوهستان که از قراء بهشهر است، مشغول شدم و پس از طی دوران مقدماتی برای ادامه تحصیل به قم رفتم و تا پایان زندگی آیت الله بروجردی در آنجا بودم و نزد اساتید گوناگونی چون آیت الله بروجردی، آیت الله صدوقی، آیت الله سید رضا صدر، مرحوم مجاهدی، مرحوم شیخ علی کاشی و مرحوم داماد تحصیلات خود را ادامه دادم و پس از فوت آیت الله بروجردی به مشهد آمدم و به کار تحصیل نزد آیت الله میلانی مشغول شدم."

شهید البته در قم مدتی نیز به شاگردی حضرت امام مفتخر بود که طبیعتاً در بازجویی‌های ساواک به آن اشاره نکرده است.

مرحوم شیخ علی کاشی که شهید به او اشاره کرده است، عارفی وارسته از شاگردان آیت الله شیخ هاشم قزوینی در مشهد و آیت الله بروجردی و امام خمینی در قم بوده است که با نبوغ و پژوهش در بیست سالگی به اجتهاد می‌رسد. او به دلیل جاذبه شخصیت معنوی آیت الله کوهستانی بارها به کوهستان سفر و در حوزه ایشان اقامت می‌کرد و به عبادت و مناظره و مباحثه با آیت الله کوهستانی می‌پرداخت. در هنگام سفر شهید هاشمی نژاد به قم، آیت الله کوهستانی به او می‌گوید: "آقا شیخ علی، این آقا (شهید هاشمی

یکی از جنبه‌های مغفول مانده درباره شهید هاشمی نژاد، مراتب علمی و اجتهاد در اوایل دهه سوم عمر پربرکت ایشان است. این اجتهاد زود هنگام، در کنار نبوغ و استعداد آن شهید بزرگوار، ریشه در شیوه تربیت و تعلیم استاد دوران شباب وی آیت الله کوهستانی داشت که آن شهید گرانقدر همواره مراتب ارادت و ادب خود را تا آخرین روزهای عمر استاد به او ابراز می‌داشت.

شهید هاشمی نژاد در سال ۱۳۲۵، پس از اخذ مدرک ششم ابتدایی، همراه با پدر خود به روستای کوهستان رفت و علاقه شدید خویش به تحصیل علوم اسلامی را به محضر آیت الله محمد کوهستانی اعلام کرد. حضرتش درخواست او را اجابت نمود و دستور داد حجره‌ای را در قسمت بیرونی منزل به این جوان تشنه کسب معارف دینی اختصاص دهند. در آن زمان در حوزه علمیه کوهستان ۲۰۰ طلبه به تحصیل اشتغال داشتند.

آیت الله حاج شیخ محمد کوهستانی بهشهری که آیت الله العظمی سید ابوالحسن اصفهانی در متن اجازه اجتهاد او از وی با عنوان "العلم الفاضل عماد الاعلام و مصباح الظلام المحقق المدقق الصفی" یاد می‌کنند؛ زمانی از نجف به مازندران باز می‌گردد که رضاخان در اوج قدرت است و دستور داده است عمامه از سر طلاب و علما بردارند. در بهشهر به‌جز ایشان و شیخ محمدحسن حجتی فرد دیگری معمم نبود و نمی‌توانست با لباس از منزل خارج گردد. قبل از بازگشت ایشان، در منطقه مدارس علمیه‌ای دایر بود که در زمان مراجعت توسط رضاخان تعطیل شده بود. در چنین شرایطی مرحوم کوهستانی تصمیم به احیای حوزه گرفت.

یکی از شاگردان ایشان از وی نقل می‌کند که: "وقتی آمدم، زمانی بود که با خود می‌گفتم اگر بمیرم آیا کسی هست که نماز میت مرا بخواند؟ تکلیف ما چیست؟" او برای رهایی از آزار ماموران رضاشاه، گاهی طلاب را به بیرون کوهستان می‌برد و در داخل باغ انار به آنها درس می‌داد.

آیت الله کوهستانی درباره این تصمیم خود می‌گوید: "روزی که از نجف به مازندران آمدم، به همسرم گفتم تو حاضری در حق طلاب مادری کنی و من پدری و آنها را تربیت کنیم تا نزد پروردگار رو سفید باشیم؟ قبول کرد. من هم تصمیم گرفتم و در آن زمان که رضاشاه نمی‌گذاشت یک نفر معمم در ایران وجود داشته باشد، دایماً حدود ۲۰۰ نفر طلبه در این مدارس در این قریه تحصیل می‌کردند و تربیت می‌شدند."

آیت الله کوهستانی حدوداً از سال ۱۳۱۲ شمسی برای تشکیل حوزه به جمع آوری و تربیت طلاب علوم دینی همت کرد. ابتدا که هنوز بنایی برای حوزه ساخته نشده بود، بخشی از منزل خود را در اختیار طلاب قرار داد و به مرور زمان و با سقوط رضاشاه که آمار طلاب فزونی یافت و وی دچار کمبود اتاق گردیدند، در سال ۱۳۲۱ چند اتاق در حاشیه حیاط بیرونی خود احداث کرد. به مرور به دلیل کمبود فضا، تصمیم به توسعه حوزه گرفت و سه دستگاه ساختمان کاهگلی بسیار ساده و بی‌آلایش را که هر یک مشتمل بر چند حجره بود، برای اسکان طلاب بنا کرد. مدرسه فضل ۵ اتاق، مدرسه رحمت ۱۱ اتاق و مدرسه فرح ۱۲ اتاق در دو طبقه داشتند و اتاق شهید هاشمی نژاد در مدرسه تازه تأسیس فرح و در طبقه فوقانی بود. آیت الله کوهستانی برای ساخت مدارس به قرآن کریم تفال زد و اسامی مدرسه‌ها را بر اساس سه واژه در آیه ۳۹ سوره یونس که در جواب تفال باز شده بود، انتخاب کرد.

آیت الله کوهستانی برای این منظور از ملک شخصی خود زمینی را اختصاص داده بود و در ساخت مدرسه نیز اهتمام وی از تکمیل آن با اموال شخصی بود. وی تلاش می‌کرد از سهم امام در این راه استفاده نکند. در ساخت مدرسه نیز خود طلاب به یاری او شتافتند و خود نیز در حالی که نزدیک به ۶۰ سال سن داشت،